

آموزگار عشق

روایتی که راه زندگی معلم شهید، محسن کرمانی نژاد

نویسنده: احسان احمدی نوره



نشر ستارگان درخشان

۱۳۹۵

سرشناسه: بابایی، مجید، ۱۳۶۸ -
عنوان و نام پدیدآور: آموزگار عشق: روایتی کوتاه از زندگی شهید محسن کرمانی‌نژاد/ نویسنده احسان احمدی‌خاوه؛
ویرایش فاطمه کنشلو؛ تحقیق و مصاحبه امیرحسین پورقربانی.

مشخصات نشر: اصفهان: ستارگان درخشان، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۷-۰۱۶-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: روایتی کوتاه از زندگی شهید محسن کرمانی‌نژاد.

موضوع: کرمانی‌نژاد، محسن، ۱۳۴۶ - ۱۳۶۶.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- داستان

موضوع: Iran-Iraq War -- ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Martyrs -- Fiction

موضوع: شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات

موضوع: Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries

شناسه افزوده: پورقربانی، امیرحسین، ۱۳۷۵ -- مصاحبه‌گر

شناسه افزوده: کنشلو، فاطمه، ۱۳۶۲ -- ویراستار

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ الف۵۲: ۵۲۴/۵۲۶ DSR

بسمه دیوبند: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی: ۲۴۶۰۰۱۹

آموزگار عشق

نویسنده: احسان احمدی‌خاوه

تحقیق و مصاحبه: امیرحسین پورقربانی

ویرایش: فاطمه کنشلو

ناشر: ستارگان درخشان

وابسته به مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه پاسداران (عج)

گرافیک: حامد شاه‌مرادی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

شمارگان: ۳۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۷-۰۱۶-۲

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

مرکز پخش: اصفهان - ستارگان درخشان

۰۳۱۳۶۶۷۴۰۰۱



نشر ستارگان درخشان

۱۳	فصل اول: طلسمان ریاضی
۱۹	فصل دوم: باغ های پیرامون
۲۳	فصل سوم: آرنج شست
۲۹	فصل چهارم: آواز گنجشک ها
۳۵	فصل پنجم: صحرا صحرا دویده ام
۴۳	فصل ششم: فصل چیدن انارها
۵۳	فصل هفتم: آهنگ آهنگران
۶۵	فصل هشتم: عملیات ناتمام
۱۶	فصل نهم: تمنای وصال
۹۵	برخی دیگر از نامه های شهید محسن کرمانی نژاد
۱۰۳	وصیت نامه ی شهید محسن کرمانی نژاد
۱۱۱	تصاویر

«به سرخی باغ‌های پرچراغ» حکایتی ساده و صمیمی از زندگی معلم شهید، «حسن کرمانی‌نژاد» است. حکایتی بدون پیچیدگی‌های معمول داستان‌نویسی و حتی روایت‌های شفاهی از جنگ. سادگی این حکایت هم متأثر از شخصیت خود شهید محسن است؛ جوانی ساده، صمیمی، خوش خلق و پاک‌دل آن‌چه در این کتاب تحت عنوان زندگی‌نامه‌ی شهید محسن در کنار هم نشسته، بخش‌های کوچکی از یادها و خاطره‌های خانواده، دوستان و همراهان محسن است که در فرصتی کوتاه به رشته‌ی تحریر درآمده است.

بر خلاف غالب زندگی‌نامه‌های رزمندگان که از مایه‌ی رزمی قابل توجهی برخوردار است، زندگی رزمی شهید محسن، بیش از سه ماه نپاییده و حضور او در منطقه، صرفاً به عملیات والفجر ۱۰ در غرب کشور محدود می‌شود. اما آن‌چه زندگی کوتاه اما پر مغز و نورانی او را از سایرین ویژه بر خوردار می‌کند، سیمای اخلاقی پررنگ اوست. شهید محسن کرمانی‌نژاد به اذعان همه‌ی اطرافیان، جوانی دلسوز، متدین، اخلاقی و پاک‌بخت است. بخشی از این توصیفات در قالب روایت داستانی در کتاب آمده و در این جا به بخش‌هایی که به طور مستقیم در کتاب به آن‌ها پرداخته نشده فقط اشاره‌ای کوتاه می‌شود؛

* آرام و سنگین بود. نه غیبت می‌کرد و نه تهمت می‌زد. طوری شوخی می‌کرد که کسی ناراحت نشود. (اختری، هم‌رزم و هم‌محلی شهید)



* خود را برتر از دیگری نمی دانست و هیچ گاه خودش را از جمع جدا نمی کرد. (احمد عصمتی، هم رزم شهید)

* خوش برخورد و سنگین بود. کم حرف بود و حرف هایش مغزدار بود و پرمحتوا. در مسائل و مطالب مذهبی و رعایت احکام بسیار عالی و قوی بود. (اختری، هم رزم شهید)

* شهید محسن یک جوان بسیار متدین، متعهد، باخلاق و متواضع بود. همیشه رخنه بر لب داشت. در چنین سنی با چنین روحیاتش بی نظیر بود. غمی بر لبانش جاری نشد و اهل تهمت هم نبود. در کنار بالاد بودن، ساده پوش و با اقرار هم بود. (رحمت فیروزی، دوست شهید)

* شبها با احاقش می رفتیم، می دیدیم کتاب جلویش است و بدون لحاف و بالش خوابش می کرد. اگر می رفتم جایی را جارو کنم، جارو را از دستم می گرفت و جارو می کرد. اگر می رفتم سفره پهن کنم، سفره را از دستم می گرفت و خودش پهن می کرد. (مادر شهید)

* همیشه عطر به خودش می زد. لباس گران قیمت نداشت، ولی همیشه مرتب بود. (حسین کرمانی نژاد، برادر شهید)

* سعی می کرد برای رفاقت کردن پیش قدمی می کرد سعی می کرد همه را به خودش نزدیک کند. به قولش وفا می کرد و زود را از بیهوده رقرار حاضر می شد. با بچه هایی که سطح سوادشان پایین بود، بیش تر رفاقت داشت و در سلام کردن پیش قدم بود. (عبدالله ماهیان، دوست شهید)

* ایشان واقعاً مظهر نجابت بود. بچه ی بسیار سر به زیر و نجیبی بود همچنین، بسیار درس خوان و مؤدب بود. با تمام بچه ها رفاقت داشت طوری نبود که با کسی دوست نباشد. سعی می کرد تا با همه رفاقت کند (مجتبی زمانی، دوست شهید)



در پایان ضرورت دارد از عزیزانی یاد کنم که با همت عالی و مثال زدنی خود، مسبب اصلی شکل گیری ایده‌ی تحریر این زندگی‌نامه شده‌اند:
از برادر گران قدر و عزیز، جناب آقای امیرحسین پورقربانی که زحمت تحقیق و ثبت و ضبط خاطرات را به عهده گرفتند؛

از برادر گرامی، جناب آقای ذاکریان که زحمت هماهنگی‌ها به عهده‌ی ایشان برد؛ همچنین از برادر ارجمندم، آقای جابر بیگی بادی که پل ارتباطی ما با خانواده و دوستان آن شهید بزرگوار بودند و زحمت پیگیری‌های مربوط به نال و ناله چاپ و نشر را متقبل شدند؛

از آقای جواد کلاته‌ای که به خاطر دقت و نکته‌سنجی‌های بجادر متن؛ و از سرکار خانم شمسایریان که به فیش‌نویسی این اثر، ممد و یاور بنده بودند، سپاسگزارم.

امید است این اثر که با تلاش و همیاری خانواده و دوستان آن شهید به سرانجام رسیده است، توانسته باشد گوشه‌ای از دجانب اخلاقی و رفتاری این شهید عزیز را به تصویر کشیده باشد.

ساقیا! بده جامی، زان شراب روحانی

تا دمی برآسایم زین حجاب جسمانی

بهر امتحان ای دوست، گر طلب کنی جان را

آن چنان برافشانم، کز طلب خجل مانی

بی‌وفا نگار من، می‌کند به کار من

۱۱ خنده‌های زیر لب، عشوه‌های پنهانی

دین و دل به یک دیدن، باختیم و خرسندیم



در قمار عشق ای دل، کی بود پشیمانی؟

ما ز دوست غیر از دوست، مقصدی نمی‌خواهیم

حور و جنت ای زاهد! بر تو باد ارزانی

زاهدی به میخانه، سرخ روز می‌دیدم

گفتمش: مبارک باد، بر تو این مسلمانی

خانه‌ی دل ما را، از کرم عمارت کن!

پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی

ما سیه گلستان را، جز بلا نمی‌شاید

بر دل بهائی نه، هر بلا که بتوانی

احسان احمدی خاوه

ورامین - مرداد ۱۳۹۵

